

تحلیل ساختاری و محتوایی رثای حسینی (مطالعه موردی: جلد پنجم کتاب ادب الطف)

علی اکبر محسنی^۱

فرشته جمشیدی^۲

چکیده

مرثیه‌های عصر انحطاط به تبع اوضاع ادبی حاکم بر آن دوره، دچار تغییراتی محسوس گشته و جلوه‌ای متفاوت نسبت به دوره‌های پیشین یافته است. هدف این پژوهش بررسی چند و چون مضامین عاشورایی در این دوره به لحاظ محتوا و ساختارهای زیباشناسی است؛ به این منظور نویسندگان در این جستار با پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی در تحلیل این قصاید، کوشیده‌اند پس از بررسی ضعف و کاستی‌ها در محتوای این قصاید، توانایی شاعران را در خلق تصاویر ادبی با کمک صورخیال در عصر جمود فکری، تبیین کنند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد مضامین نهفته در این مرثیه همان مفاهیم موجود در دوره‌های پیشین است و جز در برخی موارد، در ساختار و محتوای این قصاید نشانی از نوآوری دیده نمی‌شود. برای دست یافتن به این تحلیل، پس از استخراج ابیاتی از قصیده‌های برگزیده جلد پنجم

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه. mohseni0310@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه. (نویسنده مسئول)

fereshtehjamshidi1992@gmail.com

أدب‌الطّف - که مضامین عاشورایی در آن نمودی چشمگیر دارد - از نمودار بهره بردیم تا خواننده میزان استفاده شاعران این دوره از ذوق ادبی خویش در راستای ایجاد تصاویر زیبا و پویا به منظور پرورش مفاهیم دینی، عبادی و سیاسی عاشورا دریابد. ارائه تصاویر زیبا در این مرثیه‌ها، حضور عنصر عاطفه و خیال در تبیین و برجسته نشان دادن واقعه کربلا، استفاده از قصاید بدون مقدمه - که خاص شاعران این دوره محسوب می‌شود - از جمله مهم‌ترین نتایج این پژوهش است. از دیگر نتایج به دست آمده می‌توان به امید شاعران به شفاعت و رستگاری در قیامت به عنوان وجوه تمایز سوگنامه‌های حسینی نسبت به دیگر سوگنامه‌ها اشاره کرد.

واژگان کلیدی: رثای حسینی، أدب الطّف، تحلیل محتوایی و ساختاری.

ورود حادثهٔ عاشورا به عرصه شعر و به ویژه رثا، یکی از عوامل ماندگاری نهضت حسینی به شمار می‌آید؛ حضور پر رنگ این حادثه در قالب مرثیه، علاوه بر این که موجب پیوند قلب‌های بیدار با آن شده است، با خلق آثار ارزشمند در این زمینه، موجب غنای ادبیات عربی و اسلامی شده است. تاریخ سرایش نخستین مرثیه‌های حسینی، صرف نظر از شواهدی که از وجود آن پیش از واقعه کربلا حکایت دارد، از حادثهٔ کربلا آغاز گردید. در روایتی نیز آمده است که نخستین کسی که در رثای امام حسین (علیه السلام) قاتل وی را لعنت کرد، ابراهیم (علیه السلام) خلیل رحمان بود. پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز امیر مؤمنان و فاطمه (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) برای امام حسین (علیه السلام) و مصائبش اشک ریختند و عزاداری کردند. همچنین، در روزهای قبل از شهادتش در واقعهٔ عاشورا، رثاهایی در رابطه با ایشان شنیده شده در مسیر هجرت امام (علیه السلام) از مکه به کوفه در بین راه و در منزل خزیمه، امام ندایی شنید که می‌گفت (مشایخی، ۱۳۹۱: ۱۰۲):

أَلَا يَا عَيْنُ فَاحْتَفَلِي بِجَهْدٍ وَمَنْ يَبْكِي عَلَى الشُّهَدَاءِ بَعْدِي

(شبر، ۱۹۸۰: ۱/۳۵)

«هان! ای چشم! بسیار اشک بیار، چه کسی پس از من بر شهیدان اشک می‌ریزد؟» ادبیات عاشورایی به دنبال تغییرات زمانی و مکانی در دوره‌های مختلف تحولاتی یافته است. در عصر اموی به دلیل همزمانی با وقوع حادثهٔ کربلا، این ادبیات بازتاب چشمگیری داشت چنان که به دلیل نزدیکی زمانی حادثه، عبارت‌های به کار رفته در آن، جنبهٔ گریان و حزن‌آلود یافته بودند. در دورهٔ عباسی این ادبیات، رنگ تکلف به خود می‌گیرد و شاعران برای نمایش توانایی‌های خود، به استفاده از صنایع لفظی روی می‌آورند. اندلسیان نیز در این زمینه از مشرقیان تقلید می‌کنند، اما با توجه به شرایط سیاسی و محیطی خود، ساختارهای اثرگذاری را در ایجاد و به‌کارگیری قالب‌های شعری جدید همچون موشحات به وجود می‌آورند. در دوران انحطاط - که موضوع مقاله حاضر مربوط به آن دوره است - شعر حسینی اگرچه ضعیف می‌شود ولی از نفس نمی‌افتد و رسالت خود را در به کار گرفتن زبان

لعن و نفرین برای دفاع از امام حسین (علیه السلام) و دیگر شهدای بزرگوار امید رسیدن به ثواب انجام می‌دهد. در این عصر، شعر شیعه برخلاف روال گذشته - مانند اوضاع عمومی ادبیات عرب - به ضعف و سستی در ساختار و تکلف و پیچیدگی در زبان گرفتار شد. (سیاحی، ۱۳۸۲: ۴۳) شعرهای دربردارنده رثای سیدالشهداء (علیه السلام) در دوره‌های بعد رنگ استدلال و احتجاج به خود گرفته و منطقی و فلسفه به آن غلبه کرد. شاعران با دلایل منطقی به مبارزه با دشمنان رفته و آن‌ها را به این که ناشایست بر مسند خلافت تکیه داده‌اند، محکوم کرده‌اند.

به تدریج مضمونی متفاوت و جدید با عنوان «امید به امام زمان (علیه السلام) و خونخواهی ایشان از قاتلان» در اشعار عاشورایی رواج یافت و موضوع مهدویت و انتقام امام مهدی (علیه السلام) در آن‌ها نمایان شد. (دیاری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۷) خلاصه همان‌طور که اشاره شد؛ ذکر مصیبت کربلا و نکوهش ستمکاران، تولی و تبری و انتقام الهی، برجسته‌ترین مضمون شعری شاعران این دوره است. از آن‌جا که درباره تحلیل محتوایی و ساختاری جلد پنجم آدب الطّف تاکنون پژوهشی در قالب مقاله صورت نگرفته است؛ از این رو پرداختن به این موضوع در جایگاه خود اهمیتی فراوان دارد. تبیین شاخصه‌های کارآمد این بخش از قصاید این دوره و ویژگی‌های خاص آن نسبت به دوره‌های پیشین، هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

این مقاله از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان رویکرد متعهدانه آن را آغازی بر دیگر فعالیت پژوهشگران در عرصه ادب عاشورایی دانست؛ به گونه‌ای که ترجمه و تحلیل این مرثیه‌ها به زبان فارسی می‌تواند یاریگر دیگر پژوهشگران این حوزه باشد. افزون بر آن؛ واکاوی مؤلفه‌های اخلاقی در مضامین عاشورایی به نوبه خود، گامی مهم در جهت حفظ و احیای فرهنگ عاشورایی - حسینی و بسط اندیشه‌های آن در فرهنگ‌های مختلف به شمار می‌آیند. این اشعار می‌توانند نمونه‌های عالی از مضامین اخلاقی و تعلیمی عاشورایی محسوب شوند که هدفشان، پیراستن انسان از رذیله‌های اخلاقی است. از این رو با مطالعه و تعمق

در این بخش از مضامین برجسته عاشورایی به فصل‌های مشترکی چون ایستادگی، ایثار و پایداری برای حفظ ارزش‌های اسلام - که از مهم‌ترین مضامین و مبحث اصلی این مقاله است - پی می‌بریم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

کتاب ده جلدی *أدب‌الطّف* اثر سید جواد شبر را می‌توان از مهم‌ترین تلاش‌های صورت گرفته در حوزه ادب عاشورایی دانست؛ اثری که به تنهایی محل بررسی‌های فراوان قرار گرفته و پژوهش‌های چندی درباره آن صورت گرفته است. به‌طور کلی در رابطه با ادبیات ملتزم (شعر شیعی و عاشورایی) پژوهش‌های فراوان دیگری صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

حمید رضا مشایخی (۱۳۹۱) در مقاله «رثای حسینی در اشعار عربی قرن سوم» با بررسی رثائیات این قرن، برجسته‌ترین ویژگی‌ها و مضامین این نوع از ادبیات را بررسی و تحلیل کرده است. سید حسین سیدی و هوشنگ استادی (۱۳۸۷) در مقاله «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه» با نگرشی تطبیقی، زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی در روند شکل‌گیری شعر حماسی - آیینی عاشورایی و ساختار لفظی و معنوی آن در گستره ادبیات فارسی و عربی را تبیین کرده‌اند. انسیه خزعلی (۱۳۸۳) در کتاب امام حسین در شعر معاصر عربی ضمن بررسی و تحلیل شخصیت امام حسین (علیه السلام) بر اساس نظر تحلیل‌گران و دانشمندان و نیز بررسی سیر تحوّل شعر حسینی در طول تاریخ، نمونه‌هایی از اشعار کلاسیک و آزاد حسینی در دوره معاصر را نیز بیان کرده است.

محمدحسین فؤادیان و عبدالوحد نویدی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تحلیل محتوایی اشعار سروده شده در رثای امام حسین (علیه السلام) در عصر عباسی» با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی محتوایی اشعار سروده شده در رثای امام حسین (علیه السلام) در شعر شعرای عصر عباسی پرداخته است. از نتایج این پژوهش می‌توان به غلبه جنبه رثایی اشعار حسینی، اشتراک و اختلاف در برخی اغراض، صراحت لهجه شاعران شیعی، ربط حادثه کربلا به شورای سقیفه و مقابله شاعران اهل بیت (علیهم السلام) و تهاجم سخت آنان به برخی از شاعران وابسته به دولت عباسی

اشاره نمود. محمد ری شهری (۱۳۹۰) در جلد ششم از کتاب موسوعة الامام الحسين في الكتاب و السنة و التاريخ، اقدام اهمیت عاشورا و نیز ماتم و عزای سالار شهیدان را تبیین کرده است. البته بدون شک هنوز راه‌های نرفته در این وادی بسیار است و پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند بیش از پیش زمینه را برای مطالعه جدی‌تر هموار نماید. اما به‌طور کلی تاکنون پژوهشی جامع که به تحلیل محتوا و ساختار مرثیه‌های عصر انحطاط بپردازد، انجام نشده و هریک از این منابع فارسی و عربی که شامل کتاب و پایان‌نامه می‌باشد به بررسی مضامین دیگر پرداخته‌اند. بنابراین تحقیق پیش رو، پژوهشی نو در خصوص این موضوع به شمار می‌آید.

۱-۳. روش و چهارچوب نظری پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین فضای مجازی، به تحلیل و تبیین موضوع خود پرداخته است. منبع اصلی این پژوهش، جلد پنجم از مجموعه گرانسنگ ادب الطّف تألیف جواد شبرّ می‌باشد که پس از معرفی و بررسی جایگاه رثا در عصر انحطاط، به استخراج درون‌مایه‌های عاشورایی از قصاید این موجود در این جلد پرداخته‌ایم. برای دست یافتن به این هدف، ابتدا نموداری از تمام مضامین عاشورایی به کار گرفته شده در این جلد را ترسیم کرده‌ایم تا از این طریق به دورنمایی کلی از مرثی و آموزه‌های عاشورایی دست یابیم. در ادامه کوشیده‌ایم برای هر مضمون برگزیده، شاهد یا شواهدی از مرثی بیاوریم. بدیهی است که جامعه آماری ما (برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های مقاله) بعضی از قصاید این مجموعه شامل ۱۷ قصیده و ۴۶۲ بیت است. اما از آنجا که تحلیل محتوا و ساختار این ابیات در حوصله مقاله حاضر نمی‌گنجد؛ از این رو تنها ابیاتی که این مضامین در آن‌ها نمود بارزی دارد و دارای ساختارهای زیباشناسی می‌باشند، محل بحث قرار گرفته‌اند.

۲. معرفی موسوعة ادب الطّف و بیان جایگاه ادبی جواد شبرّ

سید جواد شبرّ در سیزده جمادی الثانی ۱۳۳۲ هجری در نجف اشرف، در خانواده‌ای

عالم متولد شد و تحت نظر پدر خود و نزد سرشناس‌ترین اساتید حوزه نجف اشرف به تحصیل علم و معارف دین پرداخت. وی در کنار دروس حوزوی به مدارس «منتدی النشر الحدیثه» پیوست و به موفقیت‌های بسیاری دست یافت آن چنانکه که به‌عنوان یکی از اساتید برجسته آن‌جا به دبیری مشغول گردید. شبر پس از تحصیل در هر دو بخش حوزوی و دانشگاهی تمام توان و استعداد سرشار خود را در حوزه منبر و سخنرانی در منقبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به کار گرفت و در زمره برجسته‌ترین خطیبان منبر حسینی در زمان خود درآمد. پاسداری از ساختارهای نظری ادبیات متعهد شیعه از دیگر تلاش‌های ایشان در حوزه ادبیات شیعه است. این ویژگی‌های ممتاز سبب شده است از شبر به‌عنوان یکی از ارکان ادبیات شیعه، به ویژه ادبیات عاشورایی، یاد شود. (شیخ الغری، ۱۴۲۸: ۳۹۹-۳۹۸)

۳. رثا، جایگاه و اهمیت آن در مراثی عصر انحطاط

رثا از بارزترین و صادق‌ترین غرض‌های شعری محسوب می‌شود. فن رثا قبل و بعد از اسلام نزد عرب‌ها چهارچوب محدودی داشته که از دایره برشمردن صفات و خصلت‌های نیک فرد در گذشته خارج نبوده است. (ضیف، ۱۱۱۹: ۵) بیشتر ادیبان معتقدند فن رثا نسبت به سایر فنون همچون غزل، مدح، فخر، حماسه و وصف از گستره‌ای کمتر برخوردار است، اما این فن پس از حادثه کربلا جلوه‌ای دیگر یافت. غم و اندوه فراوان و گریه و زاری در مراثی شیعیان آن‌چنان گسترده شد که برخی از ناقدان را بر آن داشت که شعر شیعه را شعر اندوه و گریه بدانند؛ زیرا از عشق به اهل بیت (علیهم السلام) و عاطفه حزن و اندوه سرچشمه می‌گیرد. (همان، ۱۹۶۳: ۳۱۵) مانند این بیت زیر:

أَرْقُ مِنْ دَمْعَةٍ شِيعِيَةٍ تَبْكِي عَلَيَّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ

(میدانی، ۱۴۰۷، ۲: ۷۷)

«زلال‌تر از اشک شیعی که برای امام علی (علیه السلام) می‌ریزد.»

کثرت اشعار متعهد به گونه‌ای است که جواد شبر درباره آن می‌نویسد: «اشعاری که در رثای حسین (علیه السلام) سروده شده، نیازمند صدها جلد کتاب است؛ به طوری که فقط یک شاعر

(شیخ احمد البلادی شاعر قرن دوازدهم) هزار قصیده در رثای امام حسین (علیه السلام) سروده است. (شبر، ۱۴۰۹، ۱: ۱۸) همان طور که پیش تر به آن اشاره شد، شعر رثا در دوره‌های مختلف خوش درخشیده است، اما در دوران انحطاط، «شعر عربی ارزشمندی ظهور نیافت؛ زیرا این شعر در همهٔ زمینه‌ها به تبع انحطاط زندگی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی دچار انحطاط شد و ستارهٔ شعر افول کرد.» (ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۷۱۱) افول حرارت حماسه و شور قیام در شعر حسینی - که از قرن گذشته آغاز شده بود - در این دوره به وضوح خود را آشکار می‌سازد. الفاظ سُست و خالی از محتوا، معانی سطحی و تکراری و تغییر جهت اغراض شعری از هدف اصلی خویش، موجب فقدان جاذبه و اثرگذاری این آثار شده است. به جای هجو و تهاجم، لعن و نفرین در اشعار راه یافت و مدح خالصانه و از سر عشق، جای خود را به مداحی به امید ثواب سپرد. شاعر با دعوت به صبر در عزای حسین (علیه السلام)، رثای خود را به چشم داشت اجر، به امام حسین (علیه السلام) تقدیم کرده است. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۸۱) اگرچه ادبیات رو به ضعف نهاد، اما شعر حسینی، شعر نهضت و مقاومت، هرگز از نفس نیفتاد و در بدترین شرایط، شاعر با شعر خود به نجات جامعهٔ خویش شتافت؛ زیرا شعر حسینی، شعر اصلاح و شور و درک حقایق تلخ در تاریخ بوده است. (کرباسی، ۱۴۲۱: ۷۹۸)

۴. بازتاب عمده‌ترین مضامین عاشورایی در جلد پنجم ادب‌الطّف

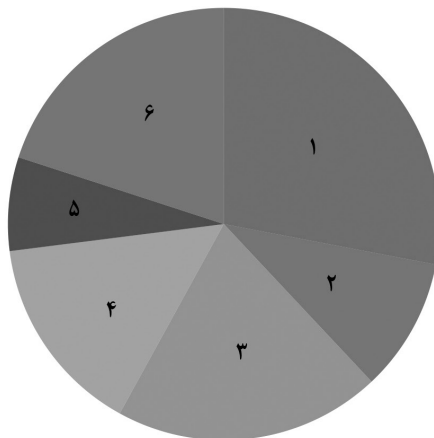
شرح و بیان حادثهٔ کربلا در عرصهٔ ادبیات متعهد، از عوامل اثرگذار در ارتقای ادب شیعی و ماندگاری این نهضت محسوب می‌شود. در این میان، بسیاری از شاعران عرب‌زبان با بهره‌گیری از قریحهٔ خدادادی و طبع شعری خود، دست به آفرینش مرثیه‌هایی زیبا در سوگ امام حسین (علیه السلام) و دیگر شهدای کربلا زده‌اند و به این وسیله نام خود را بر تارک ادبیات سرزمین کربلا و ادبیات متعهد جاودانه کرده‌اند. رثای یکی از برجسته‌ترین اغراض شعر حسینی در همهٔ دوره‌ها به شمار می‌آید. «ضربهٔ بیدادگری که امام حسین (علیه السلام) بر غیرت خفتهٔ دینی نواخت، شور و سوز احیای سنت پیامبر و عطش حاکمیت صالحان را در جامعه زنده کرد و در قالب اشعار حماسی به دامان ادب ریخت.» (خزعلی، ۱۳۸۳: ۶۴) ضعف شعر در

عصر انحطاط - که بخش عمده این ضعف ناشی از لفاظی و محتوای کم‌ارزش است - در شعر حسینی این روزگار تأثیر گذاشته است. بیشتر مضامین نهفته در این مرثیه، همان مفاهیم موجود در دوران پیشین است و جز در برخی موارد، اثری از نوآوری در مضمون این نوع شعر دیده نمی‌شود. افزون بر این، وجود پاره‌ای از مقطوعات (مرثیه‌های سروده شده در چند بیت اندک) از مواردی است که در دوره‌های پیشین کم‌تر به چشم می‌خورد.

بر خلاف سروده‌های دوره‌های پیشین که شاعران گاه جنبه‌هایی از استدلال و احتجاج را در مرثیه‌های خود می‌گنجاندند، در این دوره تلاش شاعران بیش‌تر در راستای به تصویر کشیدن واقعیت حادثه کربلا می‌باشد، از این رو به‌طور عمده حزن و اندوه بر آن چیره شده است. از چشم‌اندازی دیگر، آنان در ضمن این مرثیه‌ها صور خیال گوناگونی همچون تشبیه کنایه، استعاره، تشخیص و غیره در اشعار خود به کار برده‌اند که توانایی ادبی والای آنان را نشان می‌دهد.

نکته شایان توجه این که گاهی ممکن است یک بیت دارای چند مفهوم باشد که هر یک محاسبه شده است، بنابراین تعداد مضامین عاشورایی، الزاماً بیانگر تعداد ابیات نیست. یادآوری می‌کنیم شاید مواردی از قلم افتاده باشند؛ اما میزان آن‌ها به اندازه‌ای نیست که در نتایج حاصل از این پژوهش خللی ایجاد کند.

نمودار فراوانی مضامین عاشورایی در جلد پنجم ادب الطّف



- ۱ ■ گریه بر امام حسین (علیه السلام) و دعوت به آن
- ۲ ■ انتقام‌جویی
- ۳ ■ بیان فضائل و سجایای اهل بیت (علیهم السلام)
- ۴ ■ بیزاری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) (تبری)
- ۵ ■ بیان اندوه و زبان حال شخصیت‌های مصیبت‌زده
- ۶ ■ اظهار عشق و محبت به اهل بیت (علیهم السلام)

چنان که ملاحظه می شود ابتدا «مضامین عاشورایی» در جلد پنجم مجموعه ادب الطّف محاسبه شده اند. از نمودار بالا چنین برمی آید که «گریه بر امام حسین و دعوت به آن»، «بیان فضائل و سجایای اهل بیت (علیهم السلام)»، «اظهار عشق و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) (تولی)»، «بیزاری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) (تبری)»، «انتقام جویی» و «بیان اندوه و زبان حال شخصیت های مصیبت زده» به ترتیب پر بسامدترین درون مایه های عاشورایی در سوگ سروده های عصر انحطاط را تشکیل می دهند. درحقیقت دغدغه اصلی شاعران این دوره چیزی جز توصیه به این موارد نیست.

۴-۱. گریه بر امام حسین (علیه السلام) و دعوت به آن

بدون شک؛ حادثه کربلا بزرگ ترین مصیبتی به شمار می رود که بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. عمق این حادثه به حدی است که از همان آغاز، قلب عاشقان و معبان به این خاندان بزرگوار را از عظمت و عمق این فاجعه، غمبار گردانید؛ احساسی که اغلب با گریه و اشک، به سبب یادآوری و بیان مصایب وارده بر امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) گراندید. نمود پیدا کرده است. امام سجاد (علیه السلام) درباره فضیلت اشک بر شهادت امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّمَا مَوْءِنٌ دَمَعَتِ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى يَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا». (قندوزی، [ابی تا]: ۴۲۹) «هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی (علیه السلام) و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه های بهشتی جای می دهد.» در روایتی دیگر از وجود مبارک امام حسین (علیه السلام) در فضیلت گریه بر ایشان نقل شده است که: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۷۹) «من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که [به خاطر مصیبت هایم] گریه می کند.»

ابن ابی شافین بحرانی^۱ در ضمن ابیاتی که در آن به جایگاه والای امام حسین (علیه السلام) اشاره کرده است، دیگران را به ریختن اشک بر آن حضرت وا داشته است:

هَلُمُّوا نَبِكَ أَصْحَابَ الْعَبَاءِ	أَلَا قَابِكُوا قَتِيلًا قَدْ بَكَتَهُ الْ
هَلُمُّوا نَبِكَ مَقْتُولًا بَكَتَهُ	أَلَا قَابِكُوا قَتِيلًا مُسْتَبَاحًا

وَتَرْتِي سِبْطَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ
بَتَوْلَةٍ فَاطِمٌ سِتُّ النَّسَاءِ
مَلَائِكَةُ الْإِلَهِ مِنَ السَّمَاءِ
أَلَا قَابُكُورًا الْمُرْمَلِ بِالْدَّمَاءِ

(شبر، ۱۴۰۹: ۴۴)

۱. بیاید تا بر آل عبا بگرییم و بر نوه برترین انبیاء مرثیه سرایی کنیم. ۲. بیاید تا بر کشته‌ای بگرییم که فرشتگان خداوند در آسمان بر وی گریسته‌اند. ۳. هان! بر کشته‌ای بگریید که فاطمه بتول سرور زنان بر وی گریست. ۴. هان! بر کشته‌ای بگریید که (خون او) مباح شده است؛ هان! بر آن آغشته به خون، بگریید.

محمد مهدی فتونی،^۳ از دیگر شاعران این دوره است که دیدن سرزمین کربلا، فجایع روز عاشورا را در ذهن وی تداعی می‌کند و حزن و ناله را در تمام وجود وی می‌پراکند به گونه‌ای که مرثیه وی از مرز گریه و اشک گذشته و جلوه مصیبت زدگی به خود گرفته است:

فَقِفْ عَلَى الطَّفِّ وَاسْمِعْ صَوْتَ صَارِخِهِمْ
يَشْكُو الظَّمَا وَحَدِيثَ الْحَالِ يَنْشُرُهُ
وَنَادِ بِالْوَيْلِ فِي أَرْجَائِهِ حُزْنَ نَا
فَلَيْسَ يُحْمَلُ مَنْ عَانَ تَصْبُرُهُ
وَأَمْزُجْ دِمَاءَ دُمُوعِ الْعَيْنِ مِنْ دَمِهِمْ
لَأَيَّ يَوْمٍ سَمَوِي ذَا الْيَوْمِ تَذَخَّرُهُ
(همان، ۳۲۹)

۱. پس در سرزمین کربلا بایست و صدای فریادزن آنان را شنو که از تشنگی شکایت می‌کند و زبان حال خود را بیان می‌نماید؛ ۲. و در اطراف آن از سر حزن و اندوه، فریاد ناله سرده؛ زیرا صبر و تحمل (گریه نکردن) از کسی پسندیده نیست؛ ۳. و خونابه‌های اشک را با خون آنان بیامیز (خون گریه کن) ذخیره کردنش برای چه روزی غیر از این روز است؟ شاعر در این ابیات به خوبی توانسته با استفاده از واژه‌هایی چون: «صوت صارخهم»، «الویل»، «حزن»، و «دموع العین» احساس حزن و اندوه را بر مرثیه خود حاکم کرده و فضایی متفاوت در شعر خود به وجود آورد. افزون بر آن، شاعر در ابیات بالا از دیگران خواسته که در اشک ریختن بر سالار شهیدان با او هم قدم شوند و بنابر عادت مرثیه سرایی در شعر عربی به ترفیع جایگاه امام حسین (علیه السلام) پرداخته است. وی در ادامه با توصیف تصویر امام حسین (علیه السلام) پس از شهادت کوشیده است تا احساس اندوه را در خواننده پدید آورده و از

این رهگذر، زمینه گریه را برای وی فراهم نماید. در واقع زیباترین جلوه‌های ابراز اندوه از این حادثه را می‌توان در شعر شاعران با فضیلتی دید که سیمای حادثه کربلا و اندوه وارده بر امام حسین (علیه السلام) و دیگر شهدای آن را به زیبایی ترسیم نموده‌اند، گریه بر وجود نورانی امام حسین (علیه السلام) و دعوت دیگران به آن، نخستین نکته بارزی است که در بیشتر مرثی سروده شده در این دوره به چشم می‌خورد.

۴-۲. بیان فضائل و سجایای اهل بیت (علیهم السلام)

شاعران هر دوره‌ای نیز طی سلوک عاشقانه خود به سوی منبع عظیم سعادت و کمال، سیدالشهدا (علیه السلام) کوشیده‌اند با قریحه خدادادی خود به ذکر فضایل این خاندان پردازند و از این رهگذر جلوه‌ای خاص به اشعار خود بخشند. عبدالرؤف، برای تبیین جایگاه والای اهل بیت (علیهم السلام) با تمسک به مفهوم آیه ﴿...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۵۶)، «...پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.» آنان را در چنان جایگاهی یافته است که کسی توان مخالفت با ایشان را ندارد:

هُم أَمْنَاءُ اللَّهِ «اهل اُتَى» اَتَى
بَرَاهِينُ فَضْلٍ قَدْ خَلَّتْ مِنْ مُعَارِضٍ
أَمْدِيحُهُمْ بِالنَّصِ غَيْرِ مُدَافِعِ
وَآيَاتٍ فَضْلٍ قَدْ عَلَّتْ عَنْ مُضَارِعِ
(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۶۱)

«۱. آنان امینان خداوند هستند که مدح آنان در سوره «اهل اُتَى» (انسان، ۱) با متنی صریح و غیر قابل انکار آمده است؛ ۲- برهان‌ها و دلایل بر فضیلت به‌شمار می‌روند که خالی از معارض و مخالف هستند و آنان نشانه‌های تمیز حق از باطل می‌باشند و مشابهی ندارند.»
وی در این بیت برای توصیف بخشندگی اهل بیت (علیهم السلام) به وسیله تشبیه، از آنان به عنوان دریا و ابر تعبیر کرده است که وجه شبه در هر دو تشبیه نیز بخشندگی است و از آن‌جا که به وجه شبه و ادات اشاره‌ای نشده است، تشبیه از نوع اضافی بلیغ بوده و این بیت می‌تواند مصداق صنعت بدیعی مدح شبه ذم^۴ و تشبیه جمع نیز باشد.

غریفی نیز با اقتباس از آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب / ۳۳)، «خداوند اراده فرموده است که هر گونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت (علیهم السلام) برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است پاک و پاکیزه گرداند.» به مدح اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته است:

فَمَنْ عَنَاهُ بِأَهْلِ الْبَيْتِ غَيْرُهُمْ فَأَذْهَبَ الرِّجْسَ عَنْهُمْ رَبُّ تَطْهِيرِ
(همان، ۴۱)

«و جز آنان چه کسی را اهل بیت (علیهم السلام) اراده کرد و خداوند پاک، پلیدی را از آنان برده است.»

وی در توصیف امام حسین (علیه السلام) و یاران گرامی ایشان به اقتباس از آیه شریفه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (یس / ۳۸)، «و خورشید نشانه‌ای از قدرت ماست که همواره به سوی قرارگاهش حرکت میکند. این اندازه گیری توانای شکست‌ناپذیر و داناست.» اقدام نموده است:

كَأَنَّ الشَّمْسُ وَالْأَصْحَابُ شُهْبٌ دُجِيٌّ لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا تَجْرِي بِتَقْدِيرِ
(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۴۱)

«گویى که او خورشید است و یاران، ستارگان شب تاریک می‌باشند که با تقدیر الهی به سوی قرارگاه خویش در حرکت هستند.»

شاعر در این بیت با به کارگیری ادات تشبیه «كأن» که از قوی‌ترین ادات تشبیه است، حضرت را در نورانیت و پرتو افکنی به خورشید جهان‌افروز و یاران باوفای ایشان را به ستارگان شب تار تشبیه نموده است. در این تشبیه، وجه شبه همان درخشندگی است و واژه «دُجِيٌّ» که بر تاریکی مطلق دلالت دارد، کنایه از عصر خفقان و ظلم حکومت اموی به فرمانروایی یزیدیان می‌باشد و با طباقی که خورشید با شب دارد، نورانیت معنوی و قدرت هدایتگری امام حسین (علیه السلام) و یاران دوچندان نمود یافته و تابلویی زیبا را در معرض نمایش گذاشته است. در مصرع دوم با آوردن عبارت «لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا تَجْرِي بِتَقْدِيرِ» که از لوازم مشبهه به است، از یک سو تشبیه را قوت بخشیده و از سوی دیگر جانفشانی آن بزرگواران و نائل

شدن به مقام شهادت را- که سرانجامش بهشت و آرامیدن در جوار رحمت الهی است- با هنرمندی تمام به حرکت خورشید و ستارگان به سوی قرارگاه خویش تشبیه نموده است تا شأن والای آنان را نشان دهد.

حسن دمستانی،^۵ با عاریت گرفتن فعل «ذاقوا» برای فعل «أدرکوا» به شکل هنرمندانه‌ای به پذیرایی مرگ توسط شهیدان کربلا و عدم ترس از آن اشاره کرده‌است؛ با آوردن فعل ذاقوا چون لفظ مستعار در این بیت فعل است، استعاره از نوع مصرّحه تبعیه است:

ذَاقُوا الْحَتُوفَ بِأَكْنافِ الطُّفُوفِ عَلَي رَغَمِ الْأُنُوفِ وَلَمْ تَبْرُدْ لَهُمْ غَلْلٌ

(همان، ۲۹۵)

«در کربلا مرگ را چشیدند؛ علی رغم خشونت‌ها عطش‌شان از بین نرفت.»

اکثر تشبیهات این اشعار، برای مدح شهدای کربلا و ستودن آن‌ها استفاده شده است، هرچند تشبیهات رایج و تکراری نیز میان آن‌ها زیاد دیده می‌شود و از این رو می‌توان گفت شاعران این عصر کم‌تر به نوآوری دست زده‌اند. در واقع تخیل این شاعران چندان قوی نبوده و بیش‌تر متأثر از دوره‌های قبل است که به شیوه استعاره تصویری از صحنه کربلا، قدرت نفوذ خود را برای ابلاغ رسالت دینی-سیاسی افزوده‌اند. در واقع از آن‌جا که یکی از وظایف مؤکد در بسیاری از روایات، ذکر فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) می‌باشد؛ این جنبه بیشتر مطمح نظر شاعران این دوره قرار گرفته است، تا جایی که تشریح فضائل ایشان را بهترین راه اثبات حقانیت امام حسین (علیه‌السلام) و از بین بردن شبهات درباره دعوت ایشان یافته‌اند.

۴-۳. بیان اندوه و زبان حال شخصیت‌های مصیبت‌زده

شاعران با ذکر شخصیت‌هایی همچون حضرت زینب (علیها‌السلام)، حضرت سکینه (علیها‌السلام) و ام‌کلثوم (علیها‌السلام) در قالب مرثیه‌های خود، و با به تصویر کشیدن احوال آنان، به زیباترین شکل، عاطفه‌اندوه را در مرثیه‌های خود بروز داده و به این وسیله بهترین تأثیر را در خواننده به جای گذاشته‌اند. در بیت زیر شاعر غدر و پیمان شکنی را به روزگار نسبت داده است در حالی که مراد از آن مردم روزگار است؛ پس مجاز عقلی به علاقه‌زمانیه و همچنین استعاره مکنیه

است؛ زیرا در آن شاعر، مشبه (زمان) را به انسان تشبیه کرده آنگاه، مشبه به (انسان) را حذف کرده و از لوازم آن پیمان شکنی به شمار می‌رود و تا حدودی به آن جنبه انسانی بخشیده است که استعاره مکنیه و تشخیص است:

غَدَرَ الزَّمَانُ بِنَا فَفَرَّقَ شَمَلَنَا
وَالْغَدْرُ طَبِعٌ فِيهِ لَا يَتَغَيَّرُ

(همان، ۲۰)

«روزگار با ما سازگار نبود و پیمان شکنی کرد و جمع ما را از هم گسیخت این (پیمان شکنی) سرشت روزگار است و تغییر نمی‌کند.»

سید حسین رشید الرضوی،^۶ با به کارگیری الفاظی همچون «حزن، آساری، تلّهب، فراق» به خوبی توانسته تصویری اندوه‌بار از مصیبت وارده بر حضرت زینب (علیها السلام) پس از شهادت برادر گرامی‌شان را خلق نماید؛ همچنین استعمال چندباره اسلوب منادا (یا آخی) توسط شاعر بر تأثیر بیش‌تر این عاطفه افزوده است:

أُخَى يَا أُخَى لَوْلَا مُصَابِكُ لَمْ أَيْحِ
أُخَى يَا أُخَى عُدْنَا أَسَارَى أُمِيَّةُ
بِأَسْرَارِ حُزْنٍ فَيَكُ عَزَا كِتْمَانِهَا
بِنَا فَوْقَ مَتْنِ الْعَيْسِ يُقْصِدُ شَامِهَا
أُخَى بَيْنَ أَحْشَائِي إِلَيْكَ تَلْهَبُ
وَعَيْنَايَ مُذْ فَارَقْتَ غَابَ مَنَامِهَا

(همان، ۲۳۳)

۱. برادرم! ای برادر عزیزم! اگر مصیبت تو نبود هرگز اسرار اندوهی را که پنهان کردنش دشوار است را آشکار نمی‌کردم. ۲. برادرم! ای برادر عزیزم! بنی‌امیه ما را در شمار اسیران در آورد و بر روی شتر به قصد شام برده می‌شویم. ۳. ای برادر عزیزم! درونم (در غم از دست دادن تو) التهابی است و چشمانم از زمانی که جدا شده‌ای خواب ندارد.»

سبعی^۷ احساس درد خود از فاجعه غمبار کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) را با بیان حال سکینه دختر بزرگوار ایشان چنین بازگو می‌کند:

سَابَكِيكَ إِذْ تَبَكِي عَلَيَّ سَكِينَةُ
وَنَادَتْ رَبَّابَ أُمَّتَاهِ فَأَقْبَلَتْ
أُنَادِي بِهِ يَا وَالِدِي وَهُوَ لَمْ يَجِبْ
وَمَدَّمَعُهَا كَالْغَيْثِ جَادًا وَأَسْبَلًا
وَقَالَتْ لَهَا يَا أُمَّتَا مَا لِي وَالِدِي

مَضَى مُزِمِعًا عَنَّا الرَّحِيلَ إِلَى الْبَلَى

وَقَدْ كَانَ طَلِقًا ضَاحِكًا مُتَهَلِّلًا

(همان، ۲۸)

«۱. بر تو خواهم گریست؛ زیرا سکینه نیز بر تو می‌گرید و اشک‌های او همچون ابر پر باران فرو ریخت. ۲. و مادرش رباب را صدا زده و پیش آمد در حالی که غم فقدان حسین (علیه‌السلام) وجود او را پر کرده بود و او را به عزای خود نشانده بود. ۳. و به او گفت: ای مادرا! پدر را چه شده است که قصد سفر از ما به سوی بلا و مصیبت را دارد. ۴. او را صدا می‌زنم که ای پدر! و او جواب نمی‌دهد (نداد) در حالی که (قبلاً) گشاده رو، خندان و چهره‌اش از شادی می‌درخشید.»

ابن مطهر^۸ نیز در ابیات زیر، با استفاده از واژگانی همچون: «بُکَاء (هی باکیه)، کَمَد، أحزان» که در بردارنده مفهوم اندوه و غم هستند، حال حضرت ام کلثوم و وضعیت اندوهبار ایشان را چنین بازتاب می‌دهد:

وَأُمُّ كَلْثُومٍ تَدْعُو وَهِيَ بَاكِيَةٌ	بِمَدْمَعِ هَامِلٍ كَالْعَارِضِ الْهَتَنِ
أَيَا ابْنَ أُمِّي قَدْ أَوْرَثْتَنِي كَمَدًا	أَوْهَى فُقُودِي وَأَبْلَانِي وَأَنْحَلْنِي
أَخِي أَخِي يَا ابْنَ أُمِّي يَا حُسَيْنُ لَقَدْ	تَجَدَّدْتَ لِي أَحْزَانٌ عَلَى حَزَنِ
يَا لَيْتَ عَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاطِرَةٌ	إِلَى وَالْفَاجِرِ الْمَلْعُونِ يَسْلُبْنِي

(همان، ۵۷)

«۱. و ام کلثوم در حالی که گریه می‌کند، فرا می‌خواند (فریاد می‌زند) با اشکی ریزان همچون ابری پر باران. ۲- ای برادر مادریم (برادرم) تو اندوهی را برایم به ارث گذاشتی که دلم را سوزانده و مرا تکیده و لاغر گرداند. ۳- برادرم! برادرم! ای برادر مادریم! ای حسین! غم‌هایی را بر غم من تازه کردی. ۴- ای کاش چشمان پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به من نگاه می‌کرد در حالی که گناهکار لعنت شده مرا می‌کشید.»

بر اساس آنچه در این مبحث به آن اشاره شد، این گونه می‌توان برداشت نمود که اندوه شاعران حسینی بر شخصیت‌های مصیبت‌زده واقعه کربلا (حضرت زینب، حضرت سکینه و حضرت ام الکلتوم)، اندوهی راستین و برخاسته از عمق جان آنان است که بیشتر جنبه

پناه خواستن از امام حسین علیه السلام دارد، امری که خود مبتنی بر تفکر خاص این شاعران و در حقیقت نوعی تجدید میثاق با شهدای کربلا و راه و روش آنها به شمار می آید.

۴-۴. اظهار عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام (تولی)

تولی به معنای دوستی و عشق به اهل بیت علیهم السلام می باشد که در اسلام بسیار بر آن تأکید شده است. ارادت و عشق به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بارزترین ویژگی شعر حسینی است. مودت ذوی القربی که اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده شده است، امری است که خداوند آن را در قرآن واجب کرده است؛ ﴿... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ امام رضا علیه السلام در حدیثی گران سنگ ابراز می فرماید: «کمال الدین ولایتنا والبراءة من عدونا»^۱ (مجلسی، [بی تا]، ۲۷: ۵۸) مطهری در این باره گفته است: «فلسفه تولی و تبری، مشخص کردن موضع و جهت خود در رابطه با مؤمنان و غیر مؤمنان و اعلام موضع در این صف بندی است. تولی و تبری به معنای بی تفاوت نبودن در برابر حق و باطل و یکسان نبودن این دو برای انسان با ایمان و هدفمند و زنده و پویا است. انسان مؤمن و خداجو با تولی و تبری خود را همواره در وسط راه حق و صراط مستقیم نگه داشته و از فرو افتادن به گرداب کجی ها و انحرافات مصون می سازد. تولی و تبری یادآوری جایگاه اعتقادی و باور و مسئولیت های انسان مؤمن و نشانه ایمان پا برجا و عمیق و ریشه دار او است.» (مطهری، ۱۳۴۹: ۱۴۵)

شبرای،^۱ در ابیات زیر بر عشق به اهل بیت علیهم السلام تأکید ورزیده و آن را وسیله ای برای بخشش گناهان و تقصیرات در برابر خداوند دانسته است:

یا إلهی ما لی سوی حُبِّ آلِ الـ	بیتِ آلِ النَّبی طه المُمجِّدِ
أنا عَبْدٌ مقصَّرٌ لَسْتُ أَرْجُو	عَملاً غیر حُبِّ آلِ مُحَمَّدِ

(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۲۶۷)

۱. ای پروردگام! غیر از دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طاهای بزرگوار چه دارم؟ ۲- من بنده ای گنهکارم جز عشق به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم امید به کاری ندارم.
عبدالرؤف، نیز در تعبیری مشابه، این عشق را تنها بهره خود از زندگی دانسته و آن را بر تمام بهره های زندگی برتری داده است:

وَمَا لِي سَوَى حُبِّي لَكُمْ مِنْ بِضَاعَةٍ وَتِلْكَ لَعَمْرُ اللَّهِ أَسْنَى الْبِضَاعِ

(همان، ۶۱)

« من جز دوستی شما بهره‌ای ندارم؛ و قسم به خدا که آن والاترین توشه‌ها است.»
 قطیفی با آوردن عبارت‌های «سَمُّ الْأَنْوَفِ» و «كَرِيمَةٌ أَحْسَابُهُمْ» (به معنای افراد با اصالت و طراز اول) که کنایه از موصوف است، به صورت کنایی به مدح سپاه امام حسین (علیه السلام) پرداخته است. وی حَلْوًا را به عنوان استعاره تصریحیه تبعیه آورده و با ذکر مشبه به (حلوا) مشبه محذوف (فتحوا) را اراده کرده است.

يَتَوَاتَبُونَ عَلَى الْمَنِيَةِ أَشْبَهُوا
 حَلْوًا مِنَ الْعُلْيَا عَلَى دُرْوَاتِهَا
 الْأَسَادَ فِي وَثَبَاتِهَا وَثَبَاتِهَا

(همان، ۳۲۴)

۱. بر مرگ می‌تازند و در جهش‌ها و ثبات و مقاومت‌شان همانند شیران هستند. ۲.
 افرادی اصیل می‌باشند که نسب نیکویی دارند و به بلندای قله‌های مجد جای دارند.»
 شاعران این دوره، در اشعار دینی‌شان از ارزش بلاغی کنایه و اثرگذاری آن بر مخاطب غافل نبوده‌اند، هر چند کمتر از تشبیه و استعاره از اسلوب کنایه استفاده کرده‌اند. آن‌ها برای بیان عظمت فاجعه و خون‌هایی که به ناحق ریخته شده و ابراز احساس غم و اندوه خود از این شیوه بهره برده‌اند؛ زیرا کنایه تصاویر را در ذهن مخاطب محسوس‌تر نموده و او را به مطابقت و ادار می‌کند.

۴-۵. بیان بیزاری از دشمنان اهل بیت (تبری)

تبری به معنای اعلان جدایی و فاصله گرفتن از کسی یا چیزی بر اساس مذموم بودن آن است. راغب در مفردات این گونه درباره آن توضیح می‌دهد: واژه‌های بُرء، براء و تبری در اصل به معنای دور شدن از چیزی است که مجاورت و نزدیک بودن با آن مطلوب نیست. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۲۱) مطهری آن را «بیوند بیزاری با دشمنان خدا برقرار کردن» تعریف کرده است. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۷: ۲۱۵) به موازات «تولی» براءت جستن از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) نیز در سوگنامه‌های حسینی مطرح است. شاعران حسینی همان‌طور که عشق و

علاقه خود را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) ابراز کرده‌اند، دشمنی و بیزاری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را نیز در اشعارشان مطرح می‌نمایند.

سید معتوق الموسوی،^{۱۱} در ابیات زیر بیزاری خود نسبت به دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) که با بغض و کینه حق ایشان را انکار کردند، نشان داده و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را لازمه عفو و بخشش خداوند برشمرده است:

يا صَفْوَةَ الرَّحْمَنِ اَبْرَأُ مِنْ فَتْيِ
فِي حَقِّكُمْ جَعَدَ التَّنُصُوصَ وَاَنْكَرَا
وَأَعُوذُ فِيكُمْ مِنْ ذُنُوبٍ أَثْقَلْتُ
ظَهْرِي عَسَى بَوْلَايِكُمْ أَنْ تَغْفِرَا
(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۱۲۸)

۱. ای برگزیدگان خداوند! برائت می‌جویم از آن که متون (قرآن و سنت) را در حق شما نادیده گرفت و انکار کرد. ۲- و از گناهان بزرگی که بر پشتم سنگینی می‌کند به شما پناه می‌برم؛ باشد که بخشیده شود.»

شاعر، ضمن اشاره به حوادث رخ داده در کربلا، عبارت «قَلْبُوا لَهُ ظَهَرَ الْمَجْنُ» را کنایه از بی‌مهری و بدعهدی کوفیان قرار داده است؛ به این ترتیب کنایه از صفت است:

قَلْبُوا لَهُ ظَهَرَ الْمَجْنُ وَاَنْكَرُوا
مَا كَانَ مِنْهُمْ مِنْ اَذَى وَمَنْ اَكْر
(همان، ۱۶۱)

«اعلان جنگ دادند و با تمام وجود او را اذیت و انکار کردند.»
بلادی،^{۱۲} با اقتباس از فراز «اِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» از زیارت مبارک عاشورا، بر مخالفت و بیزاری خود از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) تأکید ورزیده است:

اَنَا الْعَبِيدُ الْفَقِيرُ الْيُوسُفِيُّ لَكُمْ
حَرْبٌ لِأَعْدَائِكُمْ حَرْبَ مَعَانِدِهَا
(همان، ۲۰۵)

«من بنده فقیر، یوسفی هستم که با دشمنان شما در جنگ هستم (مخالف آنان هستم) جنگی از روی عناد و مخالفت.»

وَبَأْتِي لَأَزِلَّ أَلْعَنُ قَوْمًا
عَصُوا اللَّهَ، وَالْكَفُورَ عَصَى
فَعَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
وَالنَّاسِ دَائِمٌ سَرْمَدِي
(همان، ۱۹۹)

«۱. من پیوسته قومی را لعنت می‌کنم که از خدا سرپیچی کردند، در حالی که ناسپاسانه شرک ورزیدند. ۲. لعنت دائمی خدا و مردم و فرشتگان و هستی بر آنان باد.»

بنابراین، همان‌طور که «تولی» در زندگی انسان نقش آفرین و با اهمیت است، جایگاه هویت‌بخش «تبری» نیز آن را حائز اهمیت کرده است؛ زیرا «تبری» مرز میان اعتقادات دینی و کفر به‌شمار می‌رود و در حقیقت مانند سپری است که شخصیت انسان، فرهنگ و اعتقادات دینی وی را از هجوم انحرافات ایمن می‌دارد. هدف شاعران حسینی از ابراز عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم‌السلام) (تولی)، اثبات ولایت‌مداری خویش، نسبت به ایشان است. از سوی دیگر شاعران با گزینش اسلوب نفرین، ضمن اعلام بی‌زاری و تبری خود از دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام)، تولی و دوستی خویش را نسبت به ایشان بیان نموده و در ضمن این رویکرد، به مظلومیت خاندان وحی و ستمکاری ظالمان نیز اشاره نموده‌اند. این مبحث به لحاظ ماهیت شفقت و محبت نسبت به اهل بیت ۳ در این جستار بخشی زیاد را به خود اختصاص داده است.

۴-۶. انتقام‌جویی

۴-۶-۱. انتقام دنیوی (انتقام حضرت مهدی (علیه‌السلام))

بنا بر روایات، در زمان ظهور امام مهدی (علیه‌السلام)، انتقام خون امام حسین (علیه‌السلام) و دیگر شهدای بزرگوار کربلا گرفته خواهد شد. از حضرت امام صادق (علیه‌السلام) درباره فرموده خدای تعالی ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^{۱۳} پرسیده شد؛ فرمود: «آن قائم آل [بیت] محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، خروج می‌کند و به [انتقام] خون حسین (علیه‌السلام) [دشمنان او را] می‌کشد. پس چنان چه اهل زمین را به قتل برساند، مسرف نخواهد بود. (بحرانی، ۱۳۷۶: ۲۲۵-۲۲۶) در دعای ندبه نیز از امام مهدی (علیه‌السلام) به عنوان منتقم خون شهدای «کربلا» یاد شده است: «أَيْنَ الطَّالِبِ بَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» کجاست آن که به خون خواهی شهید کربلا به پا می‌خیزد؟» (مجلسی، [ابی‌تا]، ۹۵: ۲۹۲)

سید ماجد هاشم البحرانی،^{۱۳} در بیت زیر خطاب به بنی‌امیه از وجود منتقم خون شهیدان کربلا خبر داده است:

بَنِي أُمَيَّةَ لَا نَامَتَ عُيُونُكُمْ فَتَمَّ طَالِبٌ وَتَرِغِيرَ مَوْتُور

(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۸۱)

« ای بنی امیه! به چشمان تان خواب راه نیابد (آسایش نداشته باشید) آن جا طلب کننده خون (شهیدی) وجود دارد که هنوز انتقامش گرفته نشده است.»

محمد بن نفع الحلی^۴ در ابیات زیر بر انتقام قطعی مهدی موعود (علیه السلام) از کشته شدگان روز عاشورا تأکید کرده و امیدواری خود به ظهور مبارک آن حضرت را ابراز داشته است:

وَلَسَوْفَ يَدْرِكُ تَارَهُمْ مَهْدِيَهُمْ
وَأَنَا لِيَوْمِ ظُهُورِهِ أَتَوَّعٌ
إِنْ لَمْ أَكُنْ أَدْرَكَتْ نَصْرَةَ جَدِّهِ
فَيَنْصُرَهُ فِيمَا بَقِيَ أَتَطْمَعُ

(همان، ۱۵۳)

۱. و مهدی آنان به زودی انتقامشان را خواهد گرفت و من چشم انتظار روز ظهور او هستم. ۲. اگر چه من به یاری جد او نرسیدم، در آن چه باقی است، آرزو مند یاری او هستم...»
از میان ۴۶۳ بیت مورد مطالعه در این پژوهش، ۹۸ بیت که نوبه خود بخش قابل توجهی است، به مسئله انتقام دنیوی اختصاص یافته است. شاعران در این دوره، اندوه دل خود را با انتظار فرج تسلی می دهند و چشم به دستان منتقمی می دوزند که روزی خواهد آمد و تقاص خون این عزیزان را از قاتلان خواهد گرفت.

۴-۶-۲. انتقام اخروی

در برخی از این مرثیه ها شاعران فراتر از انتقام دنیوی که توسط امام موعود (علیه السلام) گرفته خواهد شد، انتقامی اخروی را برای عاملان این فاجعه متصور شده و به اشکال گوناگون این مهم را در مرثیه های خود منعکس کرده اند. معتوق، ضمن تفسیح قاتل امام حسین (علیه السلام)، عمل او را در روز قیامت همچون باری بر دوش وی مجسم کرده و انتقام اخروی را برای او متصور شده است:

وَيْلٌ لِقَاتِلِهِ أَيُّدْرِي أَنَّهُ
يَأْتِي بِهَا يَوْمَ الْحِسَابِ مُؤَزَّرًا
عَادَى النَّبِيَّ وَصِنُوهُ أُمَّ مَا دَرِي

(شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۱۲۶)

«۱- وای بر قاتلتش، آیا می دانست که با پیامبر و نوه اش جنگیده است یا نمی دانست؟ ۲-

فلج باد دستانش؛ چرا که لباس خواری‌ای پوشید که در روز قیامت باری بر دوش او است.»
 رضوی نیز در ابیات زیر از عدم پذیرش عذر و بهانه دشمنان امام (علیه السلام) خبر داده و آنان
 را در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خداوند قرار داده و به جایگاه آنان در آتش جهنم اشاره کرده است:

فَمَا عَذْرُكُمْ يَوْمَ الْحِسَابِ بِمَوْقِفٍ
 وَنَارُ جَحِيمٍ لَيْسَ يَخْبُو ضَرَامَهَا

(همان، ۲۳۲)

«۱- عذر و بهانه‌تان در روز قیامت چیست؛ در جایگاهی که مردم در آن خسته می‌شوند.
 ۲- دشمن شما در آن خدا و جدّمان است و آتش جهنمی که زبانه آن خاموش نمی‌شود.»
 قیام امام حسین (علیه السلام) و زندگی حضرت مهدی (علیه السلام) دو بحث مرتبط و گره خورده با
 یکدیگر است، در این میان یکی از اصلی‌ترین مطالبی که در شعر شاعران این دو بزرگوار
 را به یکدیگر پیوند می‌دهد، مسئله انتقام گرفتن از قاتلان و ظالمان در حق امام حسین (علیه السلام)
 توسط حضرت مهدی (علیه السلام) است. از آن جا که مسئله ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از اهم
 موضوعات شعر شیعی است؛ از این رو بخشی قابل توجه از این کتاب نیز به آن اختصاص یافته
 است به طوری که حسن ختام هر قصیده از شاعران مورد مطالعه مسئله انتقام بوده و نه تنها در
 پایان قصاید بلکه در اثنای قصاید نیز به موضوع مذکور توجه شده است.

نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی دستاوردهای به دست آمده در جامعه‌ آماری به کار گرفته شده در جلد پنجم کتاب ادب الطّف، که در بردارنده‌ی مرثیه‌های حسینی قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم است، می‌توان به این نتایج اشاره نمود:

۱. از میان ۴۶۳ بیت از ۲۸ قصیده‌ی گزیده شده، «گریه بر امام حسین (علیه‌السلام) و دعوت به آن»، «ذکر فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «بیان اندوه و شخصیت‌های مصیبت زده»، «تولی و تبری»، «مسئله انتقام توسط امام عصر ارواحنا فداه» بالاترین بسامد را در مرثیه‌های دوره‌ی انحطاط دارا می‌باشد. در این عصر اگرچه شعر حسینی به‌طور عمده دچار ضعف شده، ولی از نفس نمی‌افتد و به امید رسیدن به ثواب، زبان لعن و نفرین در دفاع از امام حسین (علیه‌السلام) و دیگر شهدای بزرگوار می‌گشاید؛

۲. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعری شاعران این دوره این است که شاعران بیش‌تر به سبب اندوه فراوان و برای بیان عواطف خویش بدون مقدمه وارد قصیده شده‌اند. افزون بر این، از وجه تمایز سوگنامه‌های حسینی عصر انحطاط نسبت به دیگر دوره‌های قبل، امید شاعران به شفاعت و رستگاری در قیامت می‌باشد؛

۳. شاعران در ضمن این مرثیه‌ها صور خیال گوناگونی همچون تشبیه کنایه، استعاره، تشخیص و... را به کار برده‌اند. ناگفته پیداست، بیشتر تشبیهات به کار رفته در این اشعار، در راستای مدح شهدای کربلا و ستودن آن‌ها است؛ البته این نکته نیز قابل توجه است که شاعران این عصر کمتر به نوآوری دست زده‌اند و بیشتر آن‌ها تشبیهات رایج و تکراری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ داود بن محمد بن ابی طالب مشهور به ابن ابی شافین الجد حفصی البحرانی از مشاهیر قرن دهم است و شعر او در کتاب‌های ادبیات و دایرة‌المعارف‌ها چاپ شده و رساله‌ای در علم منطق دارد. وفات او بعد از سال ۱۰۰۱ هـ بوده است. (شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۴۷)
۲. ستّ واژه‌ای عامیانه است که به معنای دوشیزه و خانم به کار می‌رود. در اینجا نیز به مفهوم سَیِّدَة النَّسَاء؛ سرور زنان دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است.
۳. شیخ محمد مهدی الفتونی بن بهاء‌الدین محمد بن علی النباطی عاملی ملقب به صالح فتونی الغروی که بسیار عالم بود اما بیشتر در ادبیات درخشان بود و تألیفات زیادی دارد، وی مراسلات زیادی با سید نصرالله حائری دارد که در دیوان خطی او موجود است و در سال ۱۱۹۰ هـ وفات یافت. (شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۳۳۱)
۴. در این اسلوب، قصد متکلم مدح است، ولی با ذکر الفاظی چون: حروف

استدراک: «لکن»، «بل» و حروف «استثنا» و... چنان وانمود می‌کند که قصد ذم دارد، ولی مخاطب پس از تأمل در می‌یابد که هدف متکلم مذمت نیست بلکه مدح و ستایش است. (محسنی، ۱۳۹۰: ۴۴)

۵. شیخ احمد بن زین الدین و شیخ عبدالمحسن الویمی الاحسائیان که دیوان شعری دارد و در سال ۱۹۹۰ هـ درگذشت، هفده قصیده در رثای اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد. (همان، ۳۳۷)

۶. سید میر حسین بن سید میر رشید بن سید قاسم رشیدی از بزرگترین اساتید قرن ۱۲ است، اشعار زیادی در باب جماعت نجف و بغداد و عراق دارد و از جمله مدایحی در باب اهل بیت رسول خدا ۹۱ هـ در سال ۱۱۵۶ هـ به شدت مریض شد و وفات یافت. (شبر، ۱۴۰۹: ۵: ۲۳۵)

۷. ابو احمد محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن محمد بن سبع بن سالم بن رفاعه سبعی بحرانی حلی ملقب به شمس الدین و معروف به سبعی از شعرای قرن دهم است. وی در سال ۹۲۰ هـ در حله وفات یافت و در آنجا دفن شد. نسبت او به سبع بن سالم بن رفاعه می‌رسد به همین دلیل است که به او سبعی رفاعه گفته می‌شود. (همان: ۳۰)

۸. شیخ جمال الدین احمد بن حسین بن مطهر حماسه‌ای بسیار بزرگ در مدح امام حسین (علیهم‌السلام) دارد و سید امین در الأعیان می‌گوید: عالم و فاضل است و در سال ۸۷۷ هـ وفات یافت. (شبر، ۱۴۰۹: ۵: ۴۹)

۹. کمال دین در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست.

۱۰. شیخ عبدالله بن محمد شیراوی مصری، عارف باهوش دارای نثری دلپذیر و نظمی همچون دانه‌های مروارید است از کتاب‌های او: شرح الصدر فی غزوة بدر و از دیوان‌های شعرش: منائح الالطاف فی مدائح الاشراف و در سال ۱۱۷۰ هـ وفات یافت و میلادش در سال ۱۰۹۱ بوده است. (شبر، ۱۴۰۹: ۵: ۲۶۸)

۱۱. سید جلیل شریف النسب که نسبت او به امام کاظم (علیهم‌السلام) باز می‌گردد از شاعران قرن ۱۱ در سال ۱۰۲۵ هـ به دنیا آمد. سید معتوق از امیران حویزه بود و در ماه شوال سال ۱۰۸۷ هـ وفات یافت. (شبر، ۱۴۰۹: ۵: ۱۲۲)

۱۲. شیخ احمد بن حاجی بلادی عالم و فاضل و ادیب از شعرای اهل بیت علیهم السلام و مداح که مرثیه‌های بسیاری دارد و در اوایل قرن ۱۲ وفات یافت. (همان، ۵: ۱۷۳)
۱۳. سید ماجد بن سید هاشم عریضی صادقی بحرانی شاگرد فیض کاشانی و از علمای به نام بحرین بود. از جمله مؤلفاتش رساله یوسفیه و رساله فی مقئمه الواجب و حواشی علی المعالم و خلاصة الرجال و شرائع و اثنی عشریه البهائی و... است. در سال ۱۰۲۸ هـ در شیراز وفات یافت و در شاه چراغ شیراز به خاک سپرده شد. (شبر، ۱۴۰۹، ۵: ۸۲)
۱۴. شیخ عضدالدین محمد بن محمد نفع الحلی رساله‌ای دارد که هر گونه انکار را در فضائل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رد می‌کند و شعرهای او در نسخه‌های خطی در کتابخانه عمومی امام حکیم در نجف اشرف موجود است. (همان، ۱۵۵)

منابع و مآخذ

- * قرآن مجید (۱۳۷۶)، ترجمه فولادوند، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. أبوحاقه، احمد (۱۹۷۹)، الإلتزام فی الشعر العربی، بلاطبع، بیروت: دار العلم للملایین.
 ۲. امین مقدسی، ابوالحسن؛ بهشتی، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری»، نشریه تطبیقی دانشگاه باهنر کرمان، شماره ۷، صص ۹۴-۶۰.
 ۳. بحرانی، علی بن حسن (۱۳۷۷)، أنوار البدین فی تراجم علماء القطیف و الإحساء و البحرین، ج ۱، قم: چاپ افست.
 ۴. خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)، امام حسین در شعر معاصر عربی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۵. دیاری نژاد، عزت‌الله (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی مطالعه موردی: جلد دوم کتاب ادب الطف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، استاد راهنما: دکتر تورج زینی وند کرمانشاه: دانشگاه رازی.
 ۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۳)، مفردات قرآن، قم: انتشارات ذوی القربی.
 ۷. سورنی، زهرا (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی مطالعه موردی: جلد اول کتاب ادب الطف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، استاد راهنما: دکتر تورج زینی وند کرمانشاه: دانشگاه رازی.
 ۸. سیاحی، صادق (۱۳۸۲)، الأدب الملتزم بحبّ اهل البيت، ط ۳، تهران: انتشارات سمت.
 ۹. شبر، سید جواد (۱۴۰۹ ق)، ادب الطف أو شعراء الحسین، بیروت: دار المرتضی.
 ۱۰. شیخ الغری (۱۴۲۸ ق)، «حیة جواد شبر»، مجلة آفاق النجفیه العدد ۵، نجف.
 ۱۱. ضیف، شوقی (۱۹۶۳ م)، تاریخ الأدب العربی، العصر الإسلامی، ط ۱۳، قاهره: دار المعارف.
 ۱۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ حسینی، علی بن جمال اشرف [بی تا]، ینایع المودة لذوی

- القربى، قم: منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية دار الأسوة للطباعة والنشر.
۱۳. كرباسى، محمّد صادق (۲۰۰۰)، المدخل فى الشعر الحسينى، بلاطبع، لندن: المركز الحسينى للدراسات.
۱۴. مجلسى، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الوفا.
۱۵. مشايخى، حميدرضا (۱۳۹۱)، «رثاى حسينى در اشعار عربى قرن سوم»، فصلنامه مطالعات ادبى متون اسلامى، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۹.
۱۶. مطهرى، مرتضى (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، ج ۳، چاپ دوم، قم: انتشارات صدرا.
۱۷. ميدانى، ابى الفضل أحمد بن محمّد (۱۴۰۷ق)، مجمع الأمثال، تحقيق: محمد بن ابى الفضل، ط ۲، بيروت: دار الجيل.